

مطالعات موادّ مُخَدَّر و اعتیاد در نظام آموزش و پژوهش ایران

علی حاجلی^۱

محمدعلی زکریایی^۲

چکیده:

موضوع موادّ مُخَدَّر، یکی از معضلات جامعه بشری به شمار می‌رود که همه جوامع را به خود مشغول کرده است. رشته‌های مختلف علمی هر کدام با توجه به حدود علمی خود به این موضوع پرداخته‌اند. در این مقاله، ضمن بررسی مجموعه پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های کاربردی، مقالات و طرح‌های ملی انجام‌شده به این سؤال توجه شده است که اولاً کدام‌یک از حوزه‌های علمی توجه بیشتری به این موضوع داشته و در ثانی این موضوع چگونه مورد بررسی قرار گرفته است. در مجموع ۳۷۰ پژوهش و مقاله مورد بررسی قرار گرفته که از میان بخش اعظم آن‌ها، پایان‌نامه دکتری و کارشناسی ارشد بوده است. در میان پایان‌نامه‌ها، دانشجویان رشته پزشکی بیش از دیگران به این موضوع پرداخته‌اند، حال آن که جامعه‌شناسان در انجام پژوهش سهم بیشتری داشته‌اند. با این وجود، مقالات ارائه شده در سمینارها و مجامع علمی غالباً از سوی پزشکان و دانشجویان پزشکی ارائه شده است. در مجموع با بررسی شاخص تولیدات علمی، می‌توان گفت علوم پزشکی در رتبه اول و سپس جامعه‌شناسی در رتبه دوم قرار داشته است و سایر حوزه‌های علمی مانند علوم تربیتی، روان‌شناسی و روان‌پزشکی در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند. در آخر، سه پژوهش ملی در حوزه جامعه‌شناسی که به این موضوع به طور مستقیم یا غیر مستقیم مرتبط بوده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: موادّ مُخَدَّر، پژوهش، اعتیاد، مردم، نگرش‌سنجی.

۱- کارشناس ارشد علوم اجتماعی و مدیر گروه مطالعات اجتماعی موسسه جامعه و فرهنگ

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و پژوهشگر اجتماعی

پدیده مصرف موادّ مُخدّر و اعتیاد

مصرف موادّ مُخدّر، پدیده‌ای با سابقه است. شاید نتوان به درستی تاریخی برای شروع مصرف موادّ مُخدّر تعیین کرد؛ ولی در آثار برخی بزرگان می‌توان نام این مواد را یافت. برای مثال می‌توان به گفته‌های بقراط، رازی و ابن سینا از مصرف و فواید تریاک اشاره کرد؛ اما اعتیاد به موادّ مُخدّر به عنوان یک وضعیت خاص، پدیده نسبتاً جدیدی است که از اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده میلادی شناخته شد ((Levine, 1979). پیش از آن در ادبیات مسیحی مصرف الکل یا موادّ مُخدّر به عنوان گناه یا جرم به حساب می‌آمد ((McKim, 1997. در ایران به استثنای برخی مقاطع تاریخی و نیز دوره اخیر هیچگاه مصرف موادّ مُخدّر، جرم یا پدیده‌ای خلاف اعتقادات مذهبی به شمار نمی‌رفته است. بر خلاف آن، مصرف موادّ مُخدّر به عنوان فعالیت فراغتی طبقات بالای جامعه به حساب می‌آمد و در برخی مناطق کشور به عنوان نیاز اقلیمی و یا مطابق با فرهنگی محلی به شمار می‌رفت. در حال حاضر بنابر آمارهای رسمی، حدود دو میلیون مصرف‌کننده موادّ مُخدّر در کشور وجود دارد. این در حالی است که طی دهه هفتاد، حدود دو میلیون نفر به جرم قاچاق، توزیع و یا مصرف موادّ مُخدّر دستگیر و زندانی شده‌اند. بنابر آمارهای رسمی بیش از نیمی از زندانیان کشور به دلیل جرائم مربوط به موادّ مُخدّر زندانی می‌باشند. در حالی که در افغانستان به طور روزانه، بیش از هفت تن تریاک تولید می‌شود و حدود نیم تن انواع موادّ مُخدّر در کشور کشف و ضبط می‌شود، همه روزه، سه الی چهار نفر بر اثر سوء مصرف موادّ مُخدّر در کشور جان خود را از دست می‌دهند. علاوه بر آن، چشم‌انداز آینده بر اساس روندشناسی فعلی و نیز برآوردهای پیش‌بینانه چندان روشن نیست و حکایت از وخامت اوضاع دارد.

پژوهش در حوزه موادّ مُخدّر و اعتیاد در ایران

موضوعات مرتبط با موادّ مُخدّر یکی از موضوعات مورد توجه پژوهشگران و دانشجویان ایرانی بوده است. تا آنجا که پژوهشگران این تحقیق توانسته‌اند منابع مختلف را بررسی نمایند، ۱۵۶ پایان‌نامه، ۵۲ طرح پژوهشی و گزارش دولتی، ۱۲۸ مقاله ارائه شده در سمینار و ۳۵ مقاله چاپ شده در مجلات معتبر در زمینه موادّ مُخدّر یا مرتبط با این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. به عبارت دیگر، ۳۷۰ پژوهش یا مقاله پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی از روش‌های تحلیلی جدید، «فرا تحلیل» است. صدیق (۱۳۸۲) در تعریف فرا تحلیل می‌گوید: «فرا تحلیل، یکی از تکنیک‌های تحلیلی پیشرفته است که امروزه نزد پژوهشگران از ارزش والایی برخوردار است. استفاده از برآیند یافته‌ها و نتایج تحقیقات و پژوهش‌های مختلف،

مطالعات موادّ مُخدّر و اعتیاد در نظام آموزش و پژوهش ایران

جهت برنامه‌ریزی و اداره بخشی از جامعه یا کلّ آن، از مهم‌ترین عواملی است که موجب اهمّیت این نوع مطالعات شده است. «با استفاده از این تکنیک تحلیلی در واقع پژوهشگر به منابع پیشین مراجعه می‌کند و از آن‌ها، تحلیلی ارائه می‌دهد. وی در تحلیلی (همان) از برخی پژوهش‌های (مرتبط با علوم انسانی) حوزه موادّ مُخدّر، نتایج زیر را مورد اشاره قرار داده است:

۱- مبانی نظری پژوهش‌ها شامل نظریه‌های جامعه‌شناختی (۵۱/۲٪)، نظریه‌های روان‌شناسی (۱۵/۴٪)، نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی (۳۰/۷٪) و نظریه‌های زیست‌شناختی (۲/۵۷٪) بوده است.

۲- عوامل اعتیاد از نظر این پژوهش‌ها عبارت بوده‌اند از عوامل فردی (بیماری‌ها و اختلالات جسمی، نقیصه‌های بدنی، خستگی، بی‌خوابی و کم‌خوابی، عوامل جنسی، اختلالات و بیماری‌های روانی، اضطراب و افسردگی، ناکامی، محرومیت واکنش غمگین، اختلالات شخصیتی)، عوامل محیطی و بیرونی (خانواده بزه‌کار، خانواده ازهم‌گسیخته، فوت مادر و پدر، غیبت والدین، طلاق، خانواده‌های پرجمعیت، ستیزه و اختلافات خانوادگی، فقدان روابط عاطفی در خانواده، مدرسه و محیط آموزشی نامطلوب، عضویت در گروه‌های فاسد و تقلید از همسالان، گروه دوستان معتاد، زندگی در مناطق بزه‌کار، بیکاری، دسترسی به موادّ مُخدّر، توزیع ناعادلانه ثروت، جنگ و تبعات آن، مهاجرت و تعارض فرهنگی به دست آمده، استعمار، فقر فرهنگی و پایین‌بودن سطح سواد، نابسامانی و آشفتگی‌های اجتماعی، رشد و پیشرفت بی‌رویه شهرنشینی و کاهش کنترل اجتماعی و تکنولوژی).

۳- درباره انگیزه‌های شروع به مصرف موادّ مُخدّر به این موارد اشاره شده است. افزایش توانایی جسمی، افزایش توانایی جنسی، اختلالات روان‌پزشکی درمان‌نشده دردهای جسمی مزمن، همانندسازی با بزرگ‌ترها، دسترسی داشتن به پول هنگفت، تصورات نادرست نسبت به موادّ مُخدّر، ایجاد احساسات ویژه، عضویت در یک خرده‌فرهنگ برای کسب حمایت، مقابله با استرس، تشویق عضو معتاد خانواده.

این نتایج، نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام‌شده غالباً در یک طرح سیستماتیک به انجام طرح پژوهشی خود پرداخته‌اند؛ اما اکنون تلاش می‌شود تا در این بخش به جای توجه به پژوهش‌های علوم انسانی، کلیّه پژوهش‌های انجام‌شده (تا آنجا که مورد شناسایی قرار گرفته‌اند) مورد بررسی قرار گیرند؛ البته این تحلیل را نمی‌توان به طور کامل یک فرا تحلیل نامید؛ چرا که در این بخش به نتایج و یافته‌های آن‌ها اشاره‌ای نخواهد شد؛ بلکه به پارادایم و الگوی پژوهشی در خصوص موادّ مُخدّر توجه خواهیم کرد و وابستگی آن‌ها به حوزه‌های علمی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

الف) همان طور که گفته شد پژوهش‌های مرتبط در سه دسته قرار می‌گیرند که عبارتند از پایان‌نامه‌های دکتری، فوق لیسانس و لیسانس (۱۵۶ پایان‌نامه)، پژوهش‌ها و گزارش‌های دولتی (۵۲ طرح پژوهش و گزارش دولتی) و مقالات پژوهشی ارائه شده در سمینار یا منتشر شده در مجلات (۱۶۲ مقاله پژوهشی).

ب) پایان‌نامه؛ از میان یک‌صد و پنجاه و شش پایان‌نامه، نود و شش پایان‌نامه در مقطع دکتری، پنجاه و پنج پایان‌نامه در مقطع فوق لیسانس و پنج پایان‌نامه در مقطع لیسانس به موضوعات مرتبط با موادّ مُخَدَّر پرداخته‌اند. این تعداد پایان‌نامه به وسیله دانشجویان رشته‌های پزشکی، هنر و علوم انسانی تهیه شده است که در این میان دانشجویان رشته پزشکی بیش از سایرین به مسأله موادّ مُخَدَّر توجه نموده‌اند. در حالی که بیش از دو سوم پایان‌نامه‌ها به وسیله دانشجویان علوم پزشکی نوشته شده است، مجموع پایان‌نامه‌های دانشجویان علوم انسانی تنها یک پنجم کل پایان‌نامه‌ها را تشکیل می‌دهند. همچنین دانشجویان رشته حقوق و علوم سیاسی به تنهایی بیش از دانشجویان علوم مرتبط به روان‌شناسی و برابر با دانشجویان رشته جامعه‌شناسی به این مسأله توجه کرده‌اند. چنانچه ارقام مربوط به افراد فارغ‌التحصیل علوم انسانی را در نظر گیریم، آنگاه خواهیم دید مباحث مربوط به موادّ مُخَدَّر چندان جایگاه با اهمیتی میان آن‌ها ندارد.

همان طور که در جدول شماره (۱) نشان داده شده است یک‌صد و پانزده پایان‌نامه دانشجویی از میان یک‌صد و پنجاه و شش پایان‌نامه، توسط دانشجویان علوم پزشکی تهیه شده است. نکته جالب توجه، آن است که هیچ دانشجوی دکتری‌ای به غیر از دانشجویان رشته‌های پزشکی، پایان‌نامه خود را به حوزه موادّ مُخَدَّر اختصاص نداده است و تنها دانشجویان رشته پزشکی به این امر پرداخته‌اند. در میان دانشجویان فوق لیسانس نیز دانشجویان رشته‌های پزشکی بیش از دیگران به این موضوع توجه کرده‌اند. در عین حال توجه دانشجویان رشته‌های هنری مانند گرافیک و معماری نیز به این موضوع جالب توجه است. به طور کلی برخی از پایان‌نامه‌ها به طور خاص به مسأله مصرف موادّ مُخَدَّر و تأثیرات (غالباً فیزیکی) آن پرداخته و برخی دیگر با بررسی یک مسأله عام‌تر، بخشی از موضوع را به مسأله مصرف موادّ مُخَدَّر و اعتیاد اختصاص داده‌اند.

جدول شماره (۱): فراوانی پایان‌نامه‌های تحصیلی به تفکیک مقطع و رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	علوم پزشکی	علوم پایه	معماری	گرافیک	حقوق	توانبخش	روان‌شناسی	علوم تربیتی	معارف و الهیات	جامعه‌شناسی	جمع
دکتر	۹۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹۶
فوق لیسانس	۱۹	۳	۴	۱	۱۱	۴	۲	۱	۲	۸	۵۵
لیسانس	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۳	۵
جمع	۱۱۵	۳	۴	۱	۱۱	۴	۴	۱	۲	۱۱	۱۵۶

ج) طرح‌های پژوهشی

طرح‌های پژوهشی انجام‌شده در مراکز مختلف و سازمان برنامه و بودجه (سابق) به همراه گزارش‌های دولتی در یک دسته قرار گرفته و مجموعاً ۵۲ طرح پژوهشی و گزارش دولتی مورد بررسی قرار گرفته است. بر خلاف پایان‌نامه‌های دانشجویی، بیش از پنجاه درصد از پژوهش‌های مرتبط با موادّ مُخدّر با خاستگاه علمی جامعه‌شناسی انجام شده و پس از آن علوم پزشکی در رتبه بعدی قرار دارد. موضوعات مورد توجه در این پژوهش‌ها عبارت از بررسی علل اعتیاد، بررسی وضعیت اعتیاد در شهرهای مختلف، بررسی‌های پزشکی درباره مصرف موادّ مُخدّر، اعتیاد مجدد، مطالعات مربوط به جوانان و موادّ مُخدّر و سیگار، روش‌های جلوگیری از اعتیاد و .. بوده است. این پژوهش‌های غالباً به یک منطقه جغرافیایی و شهر خاص اختصاص دارد و پژوهش‌های ملی به ندرت در این زمینه انجام شده است.

جدول شماره (۲): طرح‌های پژوهشی و گزارش‌ها به تفکیک خاستگاه علمی

وابستگی پژوهشی	علوم پزشکی	روان‌پزشکی	جامعه‌شناسی	روان‌شناسی	علوم تربیتی	حقوق	جمع
طرح‌های عام	۱۰	۱	۱۴	۱	۱	۱	۲۸
سازمان برنامه	۱	۱	۱۲	۳	۲	۰	۱۹
گزارش دولتی	۲	۰	۲	۱	۰	۰	۵
جمع	۱۳	۲	۲۸	۵	۳	۱	۵۲

(د) مقالات

مقالات مختلف پیرامون مسائل گوناگون مرتبط با موادّ مُخدّر در ۱۶۲ عنوان ارائه یا منتشر شده است که از این میان یکصد و بیست و هشت مقاله در سمینارها ارائه شده و سی و چهار مقاله در نشریات معتبر به چاپ رسیده است. بیشتر مقالات ارائه شده در سمینارها در حوزه پزشکی و جامعه‌شناسی قرار دارند. در مقالات مجلات نیز محققین علوم پزشکی بیش از دیگران به تهیّه و انتشار مقاله پیرامون موادّ مُخدّر پرداخته‌اند. در مجموع حدود سی درصد از مقالات منتشرشده یا ارائه شده در سمینارها با رویکرد پزشکی، حدود بیست و پنج درصد آن‌ها با رویکرد جامعه‌شناختی و بقیّه با رویکردهای روان‌شناسی و سایر علوم انسانی تدوین شده‌اند.

جدول شماره (۳): مقالات به تفکیک وابستگی به حوزه‌های علمی

وابستگی پژوهشی	علوم پزشکی	روان‌پزشکی	جامعه‌شناسی	روان‌شناسی	علوم تربیتی	حقوق	علوم دینی	تاریخ	سایر	جمع
مقالات سمینارها	۴۰	۱۱	۳۵	۱۵	۱۵	۱	۶	۳	۲	۱۲۸
مقالات مجلات	۲۰	۲	۵	۰	۷	۰	۰	۰	۰	۳۴
جمع	۶۰	۱۳	۴۰	۱۵	۲۲	۱	۶	۳	۲	۱۶۲

همان طور که در جدول زیر نشان داده شده است، در مجموع ۳۷۰ پایان‌نامه، پژوهش و مقاله مورد بررسی قرار گرفته است که نشان می‌دهند در مجموع نیمی از این فعالیت‌های علمی به وسیله دانشجویان و پژوهشگران رشته‌های پزشکی انجام شده است. پژوهشگران و دانشجویان رشته جامعه‌شناسی با اختلاف چشمگیر در رده دوم و سپس علوم تربیتی و روان‌شناسی قرار دارند. این نسبت نشان می‌دهد پارادایم فکری فعلی در حوزه مسائل مرتبط با موادّ مُخدّر تحت تأثیر علوم پزشکی بوده و این پدیده بیش از همه به عنوان نوعی از بیماری بدنی تلقی می‌شود. هم‌چنین در جداول پیشین دیدیم که کل پایان‌نامه‌های دکتری به وسیله دانشجویان پزشکی تدوین شده است و سایر حوزه‌های علمی در این خصوص اقدامی نکرده‌اند.

از آنجا علوم پزشکی تنها زمانی می‌تواند وارد حوزه پژوهشی موادّ مُخَدَّر شود که واقعه مصرف موادّ مُخَدَّر رخ داده باشد و در واقع علم ما بعد واقعه است، عملکرد علمی فوق نشان می‌دهد که مباحث پیشینی مانند پیشگیری و جلوگیری از مصرف موادّ مُخَدَّر چندان مورد توجه حوزه علمی نبوده است. علاوه بر علوم پزشکی، بسیاری از تحقیقات سایر علوم نیز به این پدیده به صورت ما بعد واقعه نگاه کرده‌اند و پیامدهای مصرف موادّ مُخَدَّر یا مسائل مترتب بر مصرف موادّ مُخَدَّر (مانند بررسی وضعیت زنان همسر معتاد) را مورد بررسی قرار داده‌اند. در خصوص نگرش سنجی نیز تنها می‌توان به چند پژوهش اشاره کرد که یا به صورت نظرسنجی و به وسیله صدا و سیمای جمهوری اسلامی انجام شده یا برخی پژوهش‌های خاص که به جامعه آماری محدود (مانند معلمان یک منطقه شهری) بسنده کرده‌اند. این نوع پژوهش‌ها نیز غالباً از زاویه آسیبی به مسأله نگاه کرده و از همان پیش‌فرض بدیهی انگاشته شده استفاده نموده‌اند.

جدول شماره (۴): تولیدات علمی به تفکیک وابستگی به حوزه‌های علمی

رشته تحصیلی	علوم پزشکی	جامعه‌شناسی	روان‌شناسی	علوم تربیتی	حقوق و علوم سیاسی	علوم توان بخش	روان‌پزشکی	هنر	تاریخ	علوم دینی	علوم پایه	سایر	جمع
پایان‌نامه	۱۱۵	۱۱	۴	۱	۱۱	۴	۰	۵	۰	۲	۳	۰	۱۵۶
پژوهش	۱۳	۲۸	۵	۳	۱	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۵۲
مقاله	۶۰	۴۰	۱۵	۲۲	۱	۰	۱۳	۰	۳	۶	۰	۲	۱۶۲
جمع	۱۸۸	۷۹	۲۴	۲۶	۱۳	۴	۱۵	۵	۳	۸	۳	۲	۳۷۰

مروری بر برخی مطالعات مرتبط

در ادامه برخی پژوهش‌های انجام شده در سطح ملی را که به وسیله سه وزارتخانه انجام شده است، مرور می‌نماییم. پژوهش اول به بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان می‌پردازد، پژوهش دوم در میان دانش‌آموزان و پژوهش سوم در میان دانشجویان کشور انجام شده است.

پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰) از جمله پژوهش‌های معتبری است که از سال ۱۳۷۹ آغاز شده و هر دو سال یک بار اجرا می‌شود. در این پیمایش، نگرش‌ها و ارزش‌های مردم ساکن در مرکز بیست و هشت استان کشور مورد تحقیق قرار می‌گیرد. یکی از بخش‌های این پیمایش بررسی نگرش مردم در خصوص مشکلات جامعه از منظر اهمّیت و جدّی بودن آن‌ها است. در موج اوّل این پیمایش سیزده مشکل مطرح و از پرسش‌شوندگان خواسته شده است میزان جدّی بودن هر کدام را اعلام نمایند. پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت تنظیم شده و شامل هفت جواب «اصلاً، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد و کاملاً» است. مشکل اعتیاد در جامعه در میان سیزده مشکل مطرح شده، پس از دو مشکل اقتصادی، حائز رتبه سوم است که ۸۹/۳ درصد از مردم معتقد بوده‌اند، این مشکل، بیش از حدّ متوسط جدّی است.

جدول شماره (۵): فراوانی نسبی نگرش مردم نسبت به جدّی بودن مشکل اعتیاد در جامعه

اعتیاد تا چه حد جدی است؟	اصلاً	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کاملاً
فراوانی نسبی پاسخ‌ها	۰/۴	۰/۷	۲/۵	۷/۱	۲۸	۳۷/۸	۲۳/۵

بررسی بیشتر نشان می‌دهد میان جنس و تحصیلات و نگرش به اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد؛ یعنی، مردان بیش از زنان مشکل اعتیاد را جدّی می‌دانند و افراد با تحصیلات بیشتر اهمّیت این مشکل را بیشتر می‌دانند. در عین حال میان سن وضع فعالیت (شغل) و وضعیّت تأهل با نگرش به این مشکل، رابطه چندان قوی‌ای وجود ندارد.

جدول زیر مشکلات مختلف (در سال ۱۳۷۹) را به ترتیب اهمّیت نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های این جدول تنها دو مشکل اقتصادی (بیکاری و گرانی) واجد اهمّیت بیشتری نسبت به اعتیاد در جامعه هستند و سایر مشکلات که شامل مشکلات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌شود، حائز اهمّیت کمتری نسبت به اعتیاد می‌باشند. به عبارت دیگر مهم‌ترین مشکل اجتماعی در نگرش مردم کشور، اعتیاد است.

جدول شماره (۶): نگرش مردم نسبت به مشکلات مختلف به ترتیب اهمّیت (۱۳۷۹)

ردیف	عنوان	فراوانی نسبی
۱	بیکاری	۹۳/۸
۲	گرانی	۹۳/۲

ردیف	عنوان	فراوانی نسبی
۳	اعتیاد	۸۹/۳
۴	پارتی‌بازی	۸۷/۱
۵	دزدی و کلاهبرداری	۸۲
۶	طلاق	۷۶/۳
۷	چاپلوسی و تملق	۶۷
۸	اختلاف و چنددستگی	۶۴/۵
۹	روابط نامشروع	۶۴/۳
۱۰	ظلم و تبعیض	۵۸/۶
۱۱	ناامنی	۵۱/۹
۱۲	بی‌توجهی به دین	۴۷/۷
۱۳	محدودیت آزادی‌های سیاسی (احزاب مطبوعات و...)	۴۴/۳

موج دوم این پژوهش در سال ۱۳۸۲ انجام شده که موضوع اعتیاد را به طور جدّی‌تر وارد پژوهش نموده است. بر اساس نتایج موج دوم، باز هم اعتیاد به موادّ مُخَدَّر پس از بیکاری و گرانی، حائز رتبهٔ سوم در میان مشکلات مختلف از نظر مردم است؛ اما این بار ۹۲ درصد از مردم معتقد بوده‌اند که مشکل اعتیاد بیش از حدّ متوسط جدّی بوده است؛ یعنی، در موج دوم این پیمایش، حدود سه درصد به افرادی که معتقد بوده‌اند، این مشکل جدی است، افزوده شده است.

جدول شماره (۷): فراوانی نسبی نگرش مردم نسبت به جدی بودن مشکل اعتیاد در جامعه

اعتیاد تا چه حد جدی است؟	ک	متوسط	ز یاد
فراوانی نسبی پاسخ‌ها	۵	۶/۳	۹
	۲/۱		۲

جدّی‌ترین رابطهٔ معنادار تنها میان نگرش به اعتیاد و جنس می‌باشد که مردان، همانند سال ۷۹ در سال ۸۲ نیز این مشکل را جدّی‌تر از زنان می‌دانسته‌اند؛ البته تفاوت‌ها بسیار ناچیز است و احتمالاً با تغییر جامعهٔ آماری، قابل تغییر است. از این رو، روابط معنادار چه در پیمایش سال ۷۹ و چه در سال ۸۲ چندان مهم نمی‌باشد و می‌توان گفت جامعه در خصوص اعتیاد تقریباً نگرش مشترکی دارد.

جدول شماره (۸): نگرش مردم نسبت به مشکلات مختلف به ترتیب اهمّیت (۱۳۸۲)

فرآوانی نسبی ۸۲	عنوان	ر دیف
۹۶	بیکاری	۱
۹۵/۷	گرانی	۲
۹۲	اعتیاد	۳
۸۸/۱	پارتنری‌بازی	۴
۸۵	طلاق	۵
۶۹/۴	دزدی و کلاهبرداری	۶
۶۶/۱	روابط نامشروع	۷
۶۲	تبعیض	۸
۵۵/۷	اختلاف و چنددستگی	۹
۵۲/۲	ظلم و ستم	۱۰
۳۹/۱	ناامنی	۱۱
۳۶/۵	بی‌توجهی به دین	۱۲

علاوه بر این سؤال در موج دوم این پژوهش فصل خاصی به اعتیاد اختصاص داده شده است که طی آن، پنج سؤال درباره نگرش مردم نسبت به این پدیده پرسیده شده است. پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که «به نظر شما با معتادان چه باید کرد؟»، اغلب پاسخ «به مراکز درمانی و بازپروری اعزام شوند.» را برگزیده‌اند. در حالی که ۷۷/۷ درصد از مردم به این پاسخ تمایل داشته‌اند، ۶/۱ درصد از آن‌ها معتقد بودند که باید معتادان را به زندان فرستاد، ۱۵/۲ درصد بر این عقیده بودند که معتادان را باید اعدام کرد و ۱/۱ درصد نظر بر آزاد گذاشتن آن‌ها داشتند. سؤال بعدی در خصوص «افزایش مجازات قاچاقچیان» بوده است که ۸۹/۱ درصد از مردم موافق این گزینه بودند در حالی که ۷/۳ درصد مخالف و ۳/۶ درصد مردد بودند. پیرامون «اعتماد به معتادین»، ۵۰ درصد از مردم معتقد بودند که به فرد معتاد به مقدار «کمی» می‌شود اعتماد کرد، حال آن که ۴۱/۴ در صد این اعتماد را «تا حدّی» می‌دانستند و ۸/۶ درصد معتقد بودند می‌توان به معتادین «زیاد» اعتماد کرد.

در خصوص «ارائه کار به معتادین»، ۷۱/۴ درصد از پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که «اگر امکانش را داشته باشید آیا حاضرید به معتادی که ترک کرده کار بدهید؟»، پاسخ مثبت داده‌اند و ۲۸/۶ درصد پاسخ منفی داده‌اند.

درباره «خویشاوندی با فرد معتاد»، ۸۱/۳ درصد از مردم با ازدواج یکی از بستگان خود با معتادی که ترک کرده است، مخالف بوده و تنها ۱۸/۷ درصد موافق این تصوّر بوده‌اند. سه سؤال آخر؛ یعنی، میزان اعتماد به معتاد، ارائه کار به معتاد و ازدواج بستگان با فرد معتاد را می‌توان به نوعی در ردیف طیف فاصله‌سنجی بوگاردوس قرار داد. در طیف بوگاردوس در خصوص یک موضوع سؤالاتی مطرح می‌شود و نسبت میان فرد و موضوع از شدت به ضعف بررسی می‌گردد. همان‌طور که ملاحظه شد ۵۰ درصد از مردم معتقد بودند به فرد معتاد نمی‌توان اعتماد کرد، ۷۱/۴ درصد در صورت امکان به معتادین کار می‌دهند و ۸۱/۳ درصد با ازدواج یکی از بستگان خود با فرد معتاد مخالفند. ازدواج یکی از بستگان با فرد معتاد از بالاترین سطح رابطه (میان‌این سه مقوله) برخوردار است. پس از آن اعتماد به معتاد و در آخر ارائه کار به فرد معتاد قرار دارد. همان‌طور که در نتایج آمد تنها در سطح پایین‌تر رابطه؛ یعنی، ارائه کار به معتاد آن هم در صورتی که امکانش وجود داشته باشد، یک نسبت قابل توجه میان افراد و معتادین وجود دارد؛ یعنی، فرد معتاد در نظام اجتماعی امروز، بنا بر نگرش مردم، دارای جایگاه بسیار پایینی بود و با طرد اجتماعی رو به رو است.

این پیمایش از آنجا که درصدد است ارزش‌ها و نگرش‌های مردم ایران (ساکن مراکز استان‌ها) را مورد سنجش قرار دهد، حوزه پژوهشی خود را بسیار گسترده انتخاب کرده و تنها می‌تواند یک تصویر کلی از نگرش‌های مردم حول موضوعات مختلف را ارائه دهد. به همین دلیل داده‌های این پژوهش در خصوص اعتیاد چندان کاربردی نبوده و نمی‌توان از آن‌ها نتایج روشن و خاصی احصا نمود. مهم‌ترین نتیجه این پژوهش درباره اعتیاد را شاید در اهمیت‌یابی مسأله دانست که نشان می‌دهد از نظر مردم، اعتیاد مهم‌ترین مشکل در حوزه اجتماعی است که تنها دو مشکل حاد دیگر (گرانی و بیکاری) در رتبه اهمیت بالاتری از آن قرار دارند. علاوه بر آن، این داده‌ها قادر به تعمیم نتایج به تمام حوزه مصرف موادّ مُخدّر نمی‌باشند و تنها شکل افراطی مصرف منتهی به اعتیاد است که وارد شمول پیمایش شده است.

پژوهش بعدی با عنوان «بررسی وضع موجود سوء مصرف موادّ مُخدّر در میان دانش‌آموزان کل کشور» (صدیق، ۱۳۸۲) در سال ۱۳۸۲ و در سطح مدارس کل کشور در مقاطع سوم راهنمایی تا سوم دبیرستان از طریق نمونه‌گیری و با حجم ۷۵۵۸ نفر انجام شده است. چارچوب نظری و عنوان این پژوهش خود به تنهایی بیانگر زاویه دید پژوهشگر بوده و

نشان می‌دهد که این پژوهش نیز از زاویه آسیمی به مسأله پرداخته است. روش تحقیق آن پیمایش بوده و از تکنیک پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. فرضیات این پژوهش با استفاده از نظریه‌های آسیب‌شناسی و کجروی اجتماعی تهیه شده است که به طور خاص برآمده از سه نظریه «نظریه فشار»؛ فقدان فرصت‌های مشروع مرتن و وجود فرصت‌های نامشروع کلوارد دوالین، «نظریه یادگیری»؛ پیوند افتراقی سادرلند و «نظریه کنترل اجتماعی»؛ فقدان اتصال با شبکه‌های اجتماعی هرشی می‌باشد. یکی از اهداف این پژوهش، شناخت میزان آسیب‌پذیری‌ها و در معرض مصرف موادّ مُخدّر و سیگاری بودن دانش‌آموزان است. بر اساس مدل پژوهشی این تحقیق، پایگاه اجتماعی، اعتقادات دینی، کنترل خانوادگی، گروه همالان، انسجام خانوادگی، فعالیت اجتماعی، اوقات فراغت، احساس خود باوری و اعتماد به خود و نگرش به اعتیاد در وضعیت در معرض خطر سیگار، موادّ مُخدّر و مشروبات الکلی بودن تأثیرگذار است. سیمای نمونه این پژوهش به طور خلاصه متشکل از ۷۵۵۸ نفر است که شامل ۵۱/۷ درصد پسر و ۴۸/۳ درصد دختر و گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال می‌باشد.

بررسی تجارب شخصی دانش‌آموزان نشان داده است که ۱۳/۲ درصد از پاسخگویان هیچ آشنایی با سیگار ندارند، ۹/۸ درصد از آن‌ها تنها درباره آن چیزهایی شنیده‌اند، ۷۱/۷ درصد از آن‌ها سیگار را دیده‌اند و تنها ۵/۳ درصد از آن‌ها سیگار کشیده‌اند. درباره تریاک و هروئین نیز به ترتیب ۲۶/۳ درصد و ۴۷/۱ درصد منکر هرگونه آشنایی با آن‌ها بوده، ۵۵/۱ درصد و ۵۱/۴ درصد چیزهایی درباره آن شنیده‌اند و تنها ۰/۵ درصد و ۰/۲ درصد گفته‌اند که این دو مواد را مصرف کرده‌اند.

جدول شماره (۹): توزیع پاسخگویان به تفکیک تجارب شخصی موادّ مُخدّر

نوع تجربه	اصلا تجربه نکرده‌ام	شنیده‌ام	دیده‌ام	مصرف کرده‌ام
سیگار	۱۳.۲	۹.۸	۷.۱	۵.۳
تریاک	۲۶.۳	۵۵.۱	۱.۲	۰.۵
هروئین	۴۷.۱	۵۱.۰	۴.۰	۰.۲
حشیش	۵۲.۷	۴۴.۰	۸.۰	۰.۲
مشروبات الکلی	۳۹.۱	۳۸.۰	۲.۰	۲.۱

درباره میزان مصرف موادّ مُخَدَّر، ۶۱ نفر از پاسخگویان گفته‌اند: «روزی یک‌بار سیگار می‌کشند.» ۵۷ نفر، هفته‌ای یک بار به مصرف سیگار مبادرت می‌کنند و ۱۸۹ نفر گفته‌اند: «تا کنون سیگار کشیده‌اند.» ۹ نفر از پاسخگویان، هفته‌ای یک بار و ۸ نفر ماهی یک بار تریاک می‌کشند. درباره مصرف هروئین، ۲ نفر گفته‌اند: «هفته‌ای یک بار.»، ۴ نفر مدّعی شده‌اند، ماهی یک بار و ۴ نفر هم گفته‌اند که «تاکنون هروئین مصرف نکرده‌اند.» ۵ نفر از پاسخگویان روزی یک بار حشیش می‌کشند و ۹ نفر هم گفته‌اند: «هفته‌ای یک بار حشیش مصرف می‌کنند.» درباره مشروبات الکلی، ۱۴ نفر روزی یک بار، ۲۶ نفر هفته‌ای یک بار، ۴۲ نفر ماهی یک بار و ۵۸ نفر تاکنون یک بار مشروب خورده‌اند.

اما مهم‌ترین بخش این پژوهش برای تحقیق حاضر، شاخص «نگرش به موادّ مُخَدَّر» یا اعتیاد می‌باشد. شاخص نگرش به اعتیاد متشکل از هفت گویه است. در گویه اول درباره مضرات فیزیکی موادّ مُخَدَّر، باین عبارت که «اعتیاد به موادّ مُخَدَّر باعث خراب شدن دستگاه تنفس و قلب آدمی می‌شود»، سؤال شده است. ۹۱.۳ درصد از پرسش‌شوندگان با این گویه موافق بوده و ۳.۸ درصد با آن مخالفت کرده‌اند. گویه دوم نیز به مضرات فیزیکی مصرف موادّ مُخَدَّر می‌پردازد که با این عبارت سنجیده شده است: «مصرف تریاک به هر شکل که باشد، برای سلامتی ضرر دارد.» ۹۰ درصد از پاسخگویان موافق بوده و ۵.۲ درصد از آن‌ها مخالف این عبارت بوده‌اند. گویه سوم می‌گوید: «موادّ مُخَدَّر را حتّی یک بار هم نباید تجربه کرد.» ۹۱.۳ درصد از دانش‌آموزان موافق این گویه بوده و ۴.۷ درصد مخالفت خود را ابراز کرده‌اند. گویه چهارم با این مضمون مطرح شد که: اعتیاد یک بیماری است که باید آن را درمان کرد.» این گویه، رویکردی آسیب‌شناختی به مسأله اعتیاد دارد که ۸۹.۹ درصد از پرسش‌شوندگان موافق آن بوده و ۴.۹ درصد مخالف بوده‌اند. گویه پنجم، مطرح می‌دارد که «اگر آدم پول داشته باشد، مصرف موادّ مُخَدَّر برای او هیچ مشکلی درست نمی‌کند.» ۸۰.۹ درصد از پاسخگویان با آن مخالفت کرده و ۱۱.۳ درصد موافق آن بوده‌اند. گویه بعدی، عبارت از آن است که «مصرف موادّ مُخَدَّر نوعی خودکشی تدریجی است.» ۷۷.۱ درصد موافق بوده و ۱۲.۹ درصد مخالف. درباره این گویه که: «مصرف موادّ مُخَدَّر به آدم کمک می‌کند که مشکلات خودش را فراموش کند.»، ۱۶.۶ درصد موافق بوده‌اند و ۶۵.۳ درصد مخالف.

جدول شماره (۱۰): توزیع پاسخگویان به تفکیک گویه‌های مقیاس نگرش به موادّ مُخَدَّر

مطمئن نیستم	نظری ندارم	کاملاً مخالفم	مخالفم	موافقم	کاملاً موافقم	گویه‌های مقیاس
۲	۲.۹	۲	۱.۸	۱۷	۷۴.۳	اعتیاد به موادّ مُخَدَّر باعث

مطالعات موادّ مُخَدَّر و اعتیاد در نظام آموزش و پژوهش ایران

						خراب شدن دستگاه تنفس و قلب آدمی می شود.
۱.۹	۳	۲.۴	۲.۸	۱۹	۷۱	مصرف تریاک به هر شکل که باشد، برای سلامتی ضرر دارد
۱.۵	۲.۵	۲	۲.۷	۱۵.۴	۷۵.۹	موادّ مُخَدَّر را حتی یک بار هم نباید تجربه کرد
۱.۹	۳.۳	۲.۱	۲.۸	۲۴.۱	۶۵.۸	اعتیاد یک بیماری است که باید آن را درمان کرد
۳.۱	۴.۸	۶۱.۲	۱۹.۷	۴.۴	۶.۹	اگر آدم پول داشته باشد، مصرف موادّ مُخَدَّر برای او هیچ مشکلی درست نمی کند
۳.۸	۶.۲	۸.۲	۴.۷	۲۳.۹	۵۳.۲	مصرف موادّ مُخَدَّر نوعی خودکشی تدریجی است
۷	۱۱.۱	۴۵.۱	۲۰.۲	۸.۶	۸	مصرف موادّ مُخَدَّر به آدم کمک می کند که مشکلات خودش را فراموش کند

بررسی این مقیاس نشان می دهد که تنها ۵ نفر (حدود ۰/۱ درصد از کل پاسخگویان) دارای نگرش کاملاً مثبت به مصرف موادّ مُخَدَّر می باشند. ۱.۵ درصد شامل ۱۰۷ نفر از دانش آموزان دارای نگرش مثبت به موادّ مُخَدَّر بوده و ۴.۹ درصد هم نظر بینابین دارند. نظر ۲۶.۵ درصد از پاسخگویان نسبت به موادّ مُخَدَّر منفی است و نظر ۶۷ درصد کاملاً منفی می باشد.

جدول شماره (۱۱): توزیع پاسخگویان به تفکیک نگرش به موادّ مُخَدَّر

فرآوانی نسبی	فرآوانی مطلق	نگرش به موادّ مُخَدَّر
۰/۱	۱۰۷	کاملاً مثبت
۱.۵	۱۰۷	مثبت
۴.۹	۳۵۱	بینابین
۲۶.۵	۱۸۸۵	منفی
۶۷	۴۷۶۷	کاملاً منفی
۱۰۰	۷۱۱۵	جمع کل

برخی رابطه های علی یا شبه علی میان نگرش به موادّ مُخَدَّر و متغیرهای دیگر از این قرارند: دختران بیش از پسران دارای نگرش منفی به موادّ مُخَدَّر هستند.

با افزایش سن، نگرش منفی به موادّ مُخدّر کاهش می‌یابد. بالا رفتن معدل دانش‌آموزان با نگرش منفی به موادّ مُخدّر دارای رابطه است؛ یعنی، هر چه معدل بالاتر می‌رود نگرش نیز منفی‌تر است. میان رشته‌های تحصیلی دانش‌آموزان و نگرش به موادّ مُخدّر رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر دانش‌آموزان برخی رشته‌ها دارای نگرش منفی‌تری به موادّ مُخدّر می‌باشند. میان قومیت و نگرش به موادّ مُخدّر رابطه وجود دارد. دانش‌آموزان متعلق به قوم بلوچ و عرب بیش از دیگران به موادّ مُخدّر نگرش مثبت دارند. میان پایگاه اجتماعی و اقتصادی و نگرش به موادّ مُخدّر نیز رابطه وجود دارد. علاوه بر بررسی نگرش دانش‌آموزان نسبت به موادّ مُخدّر، نگرش آن‌ها به فرد معتاد نیز مورد بررسی قرار گرفته است. سؤال این بخش عبارت بود از «تا چه اندازه دانش‌آموزان به فرد معتاد نگرش منفی یا مثبت دارند؟» در بررسی پاسخ‌ها مشخص شد، ۶.۶ درصد از دانش‌آموزان معتقدند که دوستی با افراد معتاد اشکالی ندارد، ۱۱ درصد از دانش‌آموزان مخالف این گویه هستند که «افراد معتاد شغل و خانواده خود را از دست می‌دهند»، ۱۱.۳ درصد از آن‌ها، مخالف این گویه هستند که مردم معتادان را دوست ندارند»، ۴.۸ درصد هم مخالف این تصوّر هستند که «معتادان نمی‌توانند درست تصمیم بگیرند»، هم‌چنین ۴.۸ درصد اعتقاد دارند که «دوستی با فرد معتاد خطرناک نیست» و در نهایت ۱۱.۳ درصد از دانش‌آموزان اعتقاد ندارند که «معتادان انگل‌های اجتماع هستند».

جدول شماره (۱۲): نگرش پاسخگویان به فرد معتاد

م	م	نگرش به فرد معتاد
۸	۶.۶	دوستی با افراد معتاد اشکالی ندارد
۸.۳	۶	
۱	۸	افراد معتاد شغل و خانواده خود را از دست می‌دهند
۱	۰.۷	
۱	۸	مردم معتادان را دوست ندارند
۱.۳	۰.۵	
۴.۰	۸	معتادان نمی‌توانند درست تصمیم بگیرند
۸	۶	
۹	۴	دوستی با فرد معتاد خطرناک نیست
۱.۳	۸	
۱	۸	معتادان انگل‌های اجتماع هستند

۱۶	۲۶	
----	----	--

به طور کلی این شاخص نشان می‌دهد، تنها ۱.۸ درصد از دانش‌آموزان نسبت به فرد معتاد دارای نگرش مثبت بودند و ۶.۶ درصد دیدگاه بینابین دارند و ۹۱.۶ درصد دیدگاه منفی به فرد معتاد دارند. بر اساس نتایج این پژوهش، دختران بیش از پسران نسبت به معتاد نگرش منفی دارند و هرچه سن بالاتر می‌رود و پایه تحصیلی دانش‌آموزان افزایش می‌یابد، نگرش آن‌ها نسبت به فرد معتاد منفی‌تر می‌شود. دانش‌آموزان برخی رشته‌های تحصیلی (ریاضی فیزیک) نگرش منفی‌تر و دانش‌آموزان برخی رشته‌ها (علوم انسانی) دارای نگرش نسبتاً مثبت‌تری هستند. هم‌چنین بررسی قومیت دانش‌آموزان نشان می‌دهد که افراد وابسته به قوم بلوچ و عرب نگرش مثبت‌تری به معتاد دارند. به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نگرش اغلب دانش‌آموزان نسبت به موادّ مُخدّر و اعتیاد منفی است و نیز تعداد کمی از آن‌ها، بنابر پاسخ‌هایشان، سیگار، موادّ مُخدّر و مشروبات الکلی مصرف می‌کنند.

پژوهشی سوم با عنوان «دانشجویان و مسأله موادّ مُخدّر؛ شیوع‌شناسی مصرف موادّ مُخدّر در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی» (سراج زاده، ۱۳۸۲)، به وسیله دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری انجام شده است که به طور اختصاصی به دانشجویان می‌پردازد. این پژوهش به روش پیمایش در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۳۸۱/۱۳۸۲ با نمونه ۵۲۳۱ نفره از ۲۱ دانشگاه دولتی تحت پوشش وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، اجرا شده است. در این تحقیق عنوان شده است که این طرح برای اولین بار به صورت اختصاصی و تفصیلی به موضوع موادّ مُخدّر در بین دانشجویان می‌پردازد. هدف این پژوهش چنین عنوان شده است؛ «اطلاع پیدا کردن از نگرش دانشجویان نسبت به موادّ مُخدّر و مشروبات الکلی و نیز آشنایی، دسترسی و استفاده آنان از این مواد. هم‌چنین شناخت مهم‌ترین عوامل مؤثر و متغیرهای تبیین‌کننده‌ی مسأله موادّ مُخدّر در بین دانشجویان».

این پژوهش با دو روش «خودگزارشی» و بررسی اطلاعات موجود در دفاتر و نهادهایی که به نوعی به مسأله موادّ مُخدّر در دانشگاه‌ها ارتباط دارند انجام شده است که از یک‌سو به بررسی داده‌هایی که خود دانشجویان ارائه داده‌اند و سپس به داده‌های ارائه‌شده به وسیله نهادهای مسؤؤل می‌پردازد. به همین دلیل، متغیرهای مورد پژوهش شامل پرسش‌های نگرشی که به بررسی نگرش دانشجویان در خصوص مصرف موادّ مُخدّر و مشروبات الکلی می‌پردازد،

پرسش‌های واقعی که به تجربیات و آگاهی‌ها توجّه دارد و متغیرهای تبیین‌کننده مانند سن و جنس و قومیت که تفاوت‌ها را از آن طریق تبیین نماید، می‌شود.

سیمای جامعه نمونه از این قرار است؛ ۵۰.۴ درصد از پرسش‌شوندگان زن بوده و ۴۹.۶ درصد مرد، ۹۰.۱ درصد از آن‌ها مجرد، ۹.۵ درصد متأهل و ۰.۴ درصدشان مطلقه بوده‌اند. از نظر سنی ۹۲.۳ درصد از کل پاسخگویان در سنین زیر ۲۵ سال قرار داشتند. در این میان، ۴۰.۹ درصد در سنین ۱۷ تا ۲۰ سال و ۵۱.۴ درصد ۲۱ تا ۲۴ ساله بودند.

در بررسی آگاهی دانشجویان، ۸۹.۳ درصد از آن‌ها تاکنون در مورد افزایش مصرف موادّ مُخدّر و ۷۸.۲ درصد درباره افزایش مصرف مشروبات الکلی در بین دانشجویان چیزی شنیده‌اند. ۶۴.۴ درصد از آن‌ها تاکنون شواهد تأییدکننده افزایش مصرف موادّ مُخدّر مشاهده کرده‌اند و ۵۴.۳ درصد با شواهدی دال بر افزایش مصرف مشروبات الکلی را برخورد داشته‌اند.

۹۶.۸ درصد از پاسخگویان از شیوع مصرف موادّ مُخدّر و ۸۸.۳ درصد از آن‌ها از شیوع مشروبات الکلی در بین دانشجویان ابراز نگرانی کرده‌اند. در این حال، ۶۲.۴ درصد از پاسخگویان کاملاً نگران بوده‌اند.

درباره دسترسی به موادّ مُخدّر، اقلیت کوچکی؛ یعنی، ۰.۷ درصد گفته‌اند که تهیه موادّ مُخدّر و مشروبات الکلی در دانشگاه یا خوابگاه غیر ممکن است. اغلب دانشجویان معتقدند تهیه موادّ مُخدّر و یا مشروبات الکلی در سطح در دانشگاه یا خوابگاه چندان دشوار نیست.

ارزیابی دانشجویان از شیوع مصرف سیگار، مشروبات الکلی و تریاک در بین دانشجویان از این قرار است؛ ۷۳ درصد شیوع سیگار را در بین دانشجویان زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند. ۴۷.۶ درصد مصرف تفریحی مشروبات الکلی را زیاد یا بسیار زیاد عنوان کرده‌اند و یک چهارم نیز گفته‌اند که مصرف تفریحی تریاک و نیز مصرف موادّ مُخدّر در ایام امتحانات زیاد یا بسیار زیاد است.

در بررسی سنجش نگرش دانشجویان درباره مصرف موادّ مُخدّر، اغلب آن‌ها نسبت به مصرف سیگار نگرش منفی داشته‌اند؛ یعنی، ۶۳ درصد در پاسخ به این گزینه که «سیگار کشیدن مقدمه مصرف موادّ مُخدّر است و باید از آن پرهیز کرد» موافق یا کاملاً موافق بودند.

اکثریت بزرگی از دانشجویان نسبت به مصرف حشیش نگرش منفی داشته‌اند. این نتیجه از بررسی این عبارت که «حشیش، اعتیادآور نیست و نباید از مصرف آن نگران بود.» به دست آمده که ۸۳ درصد از دانشجویان با این عبارت مخالف یا کاملاً مخالف بوده‌اند.

بررسی نگرش دانشجویان نسبت به مصرف تریاک نسبت به حشیش مثبت‌تر بوده است. باین حال ۶۳ درصد از آن‌ها در مورد زبان‌بار بودن مصرف تریاک (به هر شکل) موافق یا کاملاً

موافق بودند. هم‌چنین ۵۷ درصد از آنان با این عبارت که «کسی که اراده‌اش قوی باشد با مصرف گاه به گاه تریاک معتاد نمی‌شود.» مخالف بودند.

بررسی نگرش دانشجویان نسبت به مصرف مشروبات الکلی نشان می‌دهد ۴۶ درصد از آن‌ها با کم‌خطر بودن مشروبات الکلی نسبت به موادّ مُخَدَّر موافق یا کاملاً موافق بودند. در عین حال اغلب آن‌ها موافق بوده‌اند که مصرف مشروبات الکلی حرام است.

در مجموع می‌توان گفت که اکثریت بزرگی از دانشجویان نسبت به مصرف موادّ مُخَدَّر داری نگرش منفی می‌باشند. ۶۴ تا ۸۶ درصد از آن‌ها با عبارات منفی درباره مصرف موادّ مُخَدَّر موافق بوده‌اند و با عبارات مثبت مخالفت کرده‌اند؛ یعنی، ۸۶ درصد با این عبارت که «اگر جوانی موادّ مُخَدَّر مصرف کند اینده شغلی و خانوادگی‌اش را نابود می‌کند.» موافق و بسیار موافق بوده‌اند. ۶۳ درصد از آن‌ها با این توجیه که «وقتی که کسی با غم و اندوه دست به گریبان است، مصرف موادّ مُخَدَّر تنها چیزی است که می‌تواند او را تسکین دهد.» مخالف و کاملاً مخالف بوده‌اند. ۸۱ درصد از دانشجویان با عبارت «مصرف موادّ مُخَدَّر اگر به اعتیاد منجر نشود، اشکالی ندارد.» مخالف یا کاملاً مخالف بوده‌اند. حدود ۸۰ درصد از آن‌ها با «مصرف تفریحی و محدود موادّ مُخَدَّر اشکالی ندارد.» مخالف یا کاملاً مخالف بوده‌اند. ۷۵ درصد با این عبارت که «موادّ مُخَدَّر را حتی یک بار هم نباید تجربه کرد.» موافق و کاملاً موافق بوده‌اند. ۶۷ درصد از آن‌ها با این نظر که «دوستی با فردی که موادّ مُخَدَّر مصرف می‌کند، خطرناک است.» موافق و کاملاً موافق بوده‌اند. و در نهایت ۶۴ درصد از دانشجویان با عبارت «کسی که موادّ مُخَدَّر مصرف می‌کند در بین مردم آبرو و حیثیت ندارد.» موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند.

* این مقاله بر اساس داده‌های ادبیات پژوهشی پیمایش ملی نگرش ایرانیان به مصرف موادّ مُخَدَّر (تهران؛ ستاد مبارزه با موادّ مُخَدَّر، ۱۳۸۳) تدوین شده است.

منابع

- ۱- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۲) «بررسی وضع موجود سوء مصرف موادّ مُخَدَّر در بین دانش‌آموزان کلّ کشور»، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- ۲- دفتر طرح‌های ملی. «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۳- سراج‌زاده، حسین. «دانشجویان و مسأله موادّ مُخَدَّر؛ شیوع‌شناسی مصرف موادّ مُخَدَّر در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی»، تهران وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۲.

منابع لاتین

1Levine, Harry G, (1979) «The Discovery of Addiction: Changing Conceptions of Habitual Drunkenness in America». **Journal of Studies on Alcohol**. 15 (1979): 493 506

2Mc Kim (1997), «Drug and Alcohol Studies of Medicine», North Carolina: University of North Carolina.